

Research Paper

Social Analysis of the Section Complaining about People of the Time in Mulla Sadra's Masnavi

Zahra Jamshidi¹*¹ Associated Professor in Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University

10.22080/lpr.2025.27768.1060

Received:

September 22, 2024

Accepted:

February 24, 2025

Available online:

March 19, 2025

Keywords:

Mulla Sadra, Mulla Sadra's Masnavi, Shekvaiye Sarai, Social analysis of literature.

Abstract

Complaining about the people of the time is one of the recurring themes and concepts in the poems of poets and writers. This is due to various reasons including political, social, cultural protests, and personal issues. Considering the complaints raised in the poetry and prose of each period, we can reach a relative view of the cultural, political, and social conditions of each period of history. In the meantime, the complaints in the words of sages and philosophers who have a special view of the world and existence are very important. One of these sages and philosophers, Mulla Sadrai Shirazi, is the founder of transcendental wisdom in Islamic philosophy, who, in addition to philosophy, also has works in the field of poetry and literature. Mulla Sadra's Masnavi is one of his attractive literary works, which uses poetry to express his philosophical, critical, and social views. In the next essay, the author studied and analyzed the social section of the glory of the people of his time in Mulla Sadra's Masnavi using the descriptive-analytical method. According to the research, it is clear that Mullah Sadra, in this section, which has specifically dealt with the glory and complaints of the corruptions of his time, has used hypocrisy and pretense more than any other issue, and in this way, he has taken advantage of the barman writing and lyrical literature. Shamelessness and disloyalty of people, the cruelty of friends, the supremacy of the ignorant over the wise, and the discredit of grace and knowledge are some of the most important issues that have been addressed in this complaint. With the social analysis of these issues, we can conclude that the main factors in the Safavi period were excessive attention to appearances, misuse of science and mysticism, valuing appearances, and forgetting the real values among the court and consequently among the society.

***Corresponding Author:** Zahra Jamshidi**Address:** Associated Professor in Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University**Email:** z.jamshidi@hsu.ac.ir

علمی

تحلیل اجتماعی بخش شکایت از ابناءعصر در مثنوی ملاصدرا

زهرا جمشیدی*

^۱ دانشجویار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

doi 10.22080/lpr.2025.27768.1060

چکیده

شکایت از مردم روزگار، یکی از بن‌مایه‌ها و مفاهیم پرتکرار در شعر شاعران و کلام ادیبان است. این امر به دلایل مختلفی از جمله اعتراض‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مسائل شخصی است. با عنایت به شکواییه‌های مطرح شده در شعر و نثر هر دوره‌ای می‌توان به دیدگاهی نسبی نسبت به شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر برهه‌ای از تاریخ نائل شد. در این میان شکواییه‌های موجود در کلام حکما و فلاسفه که دارای دیدگاهی خاص نسبت به دنیا و هستی هستند، از اهمیت بسیاری برخوردار هستند. یکی از این حکما و فلاسفه، ملاصدرای شیرازی، بنیان‌گذار حکمت متعالیه در فلسفه اسلامی، است که علاوه بر فلسفه، در حوزه شعر و ادبیات نیز صاحب اثر است. مثنوی ملاصدرا یکی از آثار جذاب و ادبی اوست که با بهره‌گیری از شعر به بیان دیدگاه‌های فلسفی، انتقادی و اجتماعی خود پرداخته است. نگارنده در جستار پیش‌رو با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل اجتماعی بخش شکوه از ابناءعصر در مثنوی ملاصدرا پرداخته است. برآیند تحقیق گویای آن است که ملاصدرا در این بخش که به صورت اختصاصی به شکوه و شکایت از مفاسد زمان خود پرداخته، بیش از هر مسئله‌ای به ریا و تظاهر تاخته و در این راه از ساقی‌نامه‌سرایی و ادبیات مغانه بهره گرفته است. بی‌حیایی و بی‌شرمی و بی‌وفایی و نامحرمی مردمان، ظلم و جور دوستان، برتری ندادن بر دانا و بی‌اعتباری فضل و دانش از مهم‌ترین موضوعاتی است که در این شکواییه به آن پرداخته شده است. با تحلیل اجتماعی این مباحث می‌توان به این نتیجه رسید که عامل اساسی در دوره صفویه، پرداختن بیش از حد به ظواهر، سوءاستفاده از علم و عرفان، بها دادن به ظاهرسازی و فراموش کردن ارزش‌های واقعی در میان دربار و به تبع آن در میان جامعه است.

تاریخ دریافت:

۳۱ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۴ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۲۹ اسفند ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

ملاصدرا، مثنوی ملاصدرا، شکواییه‌سرایی، تحلیل اجتماعی ادبیات.

* نویسنده مسئول: زهرا جمشیدی

آدرس: دانشجویار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

ایمیل: gholamrezaesfahani387@gmail.com

۱ مقدمه

یکی از مفاهیم پرتکرار در شعر شاعران و نثر نویسندگان دوره‌های مختلف ایران از دوران کهن تا دوران معاصر، شکایت از مردم زمانه خود است. البته این موضوع صرفاً مختص ادبیات فارسی نیست؛ بلکه موضوعی عمومی در ادبیات جهان است. دلخوری و شکایت از مردم در شعر و نثر نویسندگان به دلایل مختلف مطرح شده است. گاه این شکایت به دلیل جهل و نادانی مردم، گاه به خاطر فساد موجود در میان مردم، گاه به دلیل بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به شاعر و نویسنده و گاه به دلیل اختلاف‌های دینی و مذهبی و عقیدتی است. نکته مهم این است که شکایت از مردم به هر دلیلی که باشد، بخش عظیمی از ادبیات فارسی را دربرگرفته است. به عنوان مثال، ناصر خسرو یکی از نامدارترین حکما و شاعرانی است که شکایت و دلخوری خود از مردم زمانه خویش را به اشکال مختلف در دیوان خود بیان کرده است. گفتنی است که شکایت‌های ناصر خسرو، بیشتر جنبه عقیدتی، مذهبی و اجتماعی دارد.

پژوهش‌گران شکواییه‌سرایی را جزو ادبیات غنایی به حساب می‌آورند، زیرا در پیوند مستقیم با عواطف پردازندگان آن‌ها و وقایع شخصی در برخورد با اجتماع (اعم از اجتماع کوچک نزدیکان یا اجتماع کلان‌تر در معنای جامعه) است. شکایت از ابناء عصر، واکنشی روانی و عاطفی نسبت به بحران و مشکلی است که شاعر یا نویسنده در تعارض با آن قرار گرفته است، اما قدرت حل آن تعارض و یا بی‌تفاوتی نسبت به آن را ندارد، از این رو تنها راه حل ممکن، یعنی بیان شکایت به وجهی عاطفی و مملو از دلخوری را برمی‌گزیند. با بررسی و تحلیل شکایات شاعران در بستر شرایط اجتماعی، رویدادهای سیاسی و فرهنگی و تحلیل اجتماعی آن‌ها، می‌توان به نتیجه‌گیری‌های متقن و علمی دست یافت.

با عنایت به جایگاه شاعر یا نویسنده شکواییه‌پرداز، می‌توان به انواعی از شکواییه در

ادبیات فارسی نائل شد. این انواع عبارتند از: شکواییه‌های شخصی؛ هم‌چون شکایت‌های خاقانی از شاگردش مجیر بیلقانی و یا شکایت از دوستان، شکواییه‌های مذهبی و اعتقادی مثل شکواییه‌های ناصر خسرو، شکواییه‌های سیاسی مانند سوگ‌سروده‌های کمال‌الدین اسماعیل در وصف حمله مغول، شکایت‌های فرهنگی همچون ابیات پرتعنه و نیش‌دار حافظ، شکایت از جهل و خرافه و نادانی همانند ابیات انتقادی مولانا و سعدی و در این میان برخی از حکما نیز به انگیزه‌های گوناگون از جمله دغدغه‌های فرهنگی، سیاسی، علمی و ... به بیان شکایت‌های خود پرداخته‌اند. ملاصدرا یکی از فلاسفه و حکمایی است که در آثار مختلف خود، ضمن بیان انتقادهای اجتماعی و فرهنگی در عصر خود به بیان شکایت از مردم روزگار خویش پرداخته است. نگارنده در این پژوهش درصدد است با بررسی بخش شکایت از ابناء عصر در مثنوی ملاصدرا به بررسی و دسته‌بندی موضوع شکایت و تحلیل اجتماعی این شکایات دست یازد.

۱/۱ پیشینه‌ی تحقیق

آثار پژوهشی که درباره ملاصدرا نگاشته شده‌اند، بیشتر به بررسی مسائل فلسفی و حکمی در آثار و اندیشه‌های این فیلسوف پرداخته‌اند. از جمله پژوهش‌هایی که به موضوع مقاله حاضر نزدیک‌تر هستند، می‌توان به مواردی که در ادامه معرفی می‌شوند، اشاره کرد. شعاعی و شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی شکواییه‌های عصر صفوی پرداخته‌اند. نگارندگان در این اثر، ضمن نام بردن از چند تن از عرفای عصر صفوی به ملاصدرا و شکواییه‌های او نیز اشاره می‌کنند. نویسندگان با بیان اینکه ملاصدرا، مهم‌ترین حکیم عصر صفوی، بوده، به نحوه تلقی متناقض ملاصدرا با تصوف اشاره می‌کنند و دیدگاه پرگلائی ملاصدرا نسبت به صوفی‌نمایان عصر خود را در دو رساله کسر الاصنام و سه اصل مطرح و بررسی می‌کنند. گفتنی است که در این مقاله به مثنوی ملاصدرا اشاره‌ای نشده

می‌دهند که چگونه ملاصدرا با به‌کارگیری برخی از موتیف‌ها و اصطلاحات و رمزهای متصوفه ازجمله عشق، می، خرابات، ساقی، تقابل عشق و عقل و ... در منظومه‌ی تداعی‌های عارفانه، به توصیف برخی از گروه‌های جامعه ازجمله عارفان، صوفیان، فقیهان و متشرعان عصر خود پرداخته و منش و کنش آنان را بازنمایانده است. این مقاله نیز با موضوع مقاله حاضر اشتراک خاصی ندارد. با عنایت به پیشینه‌ی مذکور، آشکار است که موضوع مقاله حاضر دارای نوآوری است.

۱،۲ ضرورت تحقیق

جایگاه ملاصدرا به‌عنوان فیلسوفی نامدار و دارای اندیشه‌ها و آرای مخصوص به خود، در تمدن فکری اسلامی ایرانی اهمیت بسزایی دارد. با این‌که ملاصدرا فیلسوف و حکیم است، اما از نظر توان ادبی و زبانی و طبع‌آزمایی در شعر نیز جزو شاعران درجه‌ی خوب به حساب می‌آید. تفکرات انتقادی ملاصدرا که در آثار مختلف او طرح شده است از نظر مطالعات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دارای اهمیت بسیار است، به‌نحوی که می‌تواند بیانگر شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و حتی زندگی شخصی این فیلسوف باشد. مثنوی ملاصدرا دربرگیرنده‌ی آرا و عقاید انتقادی ملاصدرا درباره‌ی مسایل گوناگون، به‌ویژه شکایت از عارف‌نمایان و زاهدان دروغین، جاهلان عالم‌نما و بی‌خردی و نادانی و در عین حال بی‌وفایی و جهل مردم زمانه‌ی خویش است. با بررسی و تحلیل اجتماعیات بخش شکایت از ابن‌عصر در مثنوی ملاصدرا، می‌توان به ریشه‌های جامعه‌شناختی فرهنگی این موضوع نائل شد.

۱،۳ پرسش‌های تحقیق

الف) دیدگاه ملاصدرا نسبت به مردم زمانه‌ی خود چگونه است؟

است. پارسایی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی مفاهیم عرفانی در مثنوی ملاصدرا پرداخته است. نگارنده در این پژوهش سعی کرده است به طبقه‌بندی موضوعات عرفانی گوناگونی، که در این مثنوی به‌صورت پراکنده وجود دارد، بپردازد و آن‌گاه این موضوعات را در قالب دو سیر نزولی و صعودی عرفان، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. وی هدف نخست پژوهش خود را شناخت شخصیت عرفانی ملاصدرا و بررسی دلایل گرایش این فیلسوف مسلمان به عرفان اسلامی قرار داده است. سپس به بررسی و تحلیل مفاهیم مرتبط با قوس نزول در مثنوی ملاصدرا پرداخته و هدف پایانی این پژوهش را به بررسی مسائل مرتبط با قوس صعود در این مثنوی اختصاص داده است. در این پایان‌نامه به مبحث شکایت از ابن‌عصر در مثنوی ملاصدرا اشاره‌ای نشده است. میرحسینی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به تحلیل جامعه‌شناختی شکواییه‌ی اجتماعی در متون منظوم ادبی پرداخته است. این پایان‌نامه صرفاً شکواییه‌های اجتماعی را مطرح کرده و علاوه‌براین به شعر ملاصدرا اشاره‌ای ندارد. داوودی‌مقدم و درودگریان (۱۳۹۳)، با بررسی آثار ملاصدرا، به این نتیجه رسیده‌اند که در آثار ملاصدرا ابیاتی بسیار خطاب به ساقی و پناه بردن به عالم بی‌خبری و سرمستی وجود دارد و ازاین‌رو، ملاصدرا را فیلسوفی ساقی‌نامه‌سرا خطاب کرده‌اند. نویسندگان این مقاله با توجه به مبانی نظری اثر خود درباره‌ی ویژگی‌های ساقی‌نامه‌ها و تحلیل و تطبیق آن‌ها با ساختار و محتوای اشعار ملاصدرا، این فیلسوف را یکی از ساقی‌نامه‌سرایان ادب فارسی دانسته‌اند که از این نوع ادبی، برای اثبات تعالیم حکمت متعالیه و اندیشه‌های عرفانی و اخلاقی خود سود جسته است. همان‌گونه که مشخص است این مقاله به مبحث ساقی‌نامه‌سرایی ملاصدرا پرداخته است و با موضوع جستار حاضر اشتراکی ندارد. داوودی مقدم و ایزدی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی توصیفی برخی از گروه‌های اجتماعی عصر ملاصدرا در خلال اشعار این فیلسوف پرداخته‌اند. نویسندگان در این مقاله به این پرسش پاسخ

عزا ذکر شده و زبان حال فرد صاحب عزا و بدبختی است (رک: شمیسا، ۱۳۸۹: ۸۹). زبان پردازنده شکواییه، در بیشتر اوقات همراه با دلخوری و اندوه است، اما گاهی با عناصر طنز و سخره نیز همراه می‌شود که اتفاقاً خواننده با خواندن این درون‌مایه‌های طنز و هزل، بیش‌از آنکه لبخند بر لب آورد، دچار تأسف و تأثر می‌شود. نمونه این موارد را می‌توان در طعنه‌های عبید زاکانی و حافظ شیرازی جستجو کرد (رک: مرتضوی، ۱۳۴۴: ۷۵).

شکواییه‌پردازی را از نظر محتوایی دارای انواعی می‌دانند که عبارتند از: شکواییه‌های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی و شخصی (رک: اکبری و اسفندیاری، ۱۴۰۰: ۳۹). در این میان شکایت‌های فلسفی دربردارنده دیدگاه‌های فلسفی نسبت به هستی، جهان و انسان است و اگر پردازنده آن خود از فلاسفه باشد ممکن است از نظر محتوایی با مایه‌های فلسفی نیز همراه باشد. شکواییه‌های خیام از دنیا و ناپایداری آن، نمونه بارز این موضوع است. شکواییه‌های عرفانی نیز بیشتر در پی انتقاد از دلبستگی به دنیا و مافیها و فرورفتن در دام گناهان و دوری از خداوند است و از این‌نظر دارای مایه‌های اخلاقی و تربیتی هستند. شکواییه‌های سیاسی به نقد اوضاع و احوال سیاسی می‌پردازند و شکواییه‌های اجتماعی انتقاد از جامعه، خلق‌و‌خو، رفتار، کنش‌ومنش مردمان زمانه‌اند و همین نوع در ادبیات فارسی بازتاب بسیاری یافته است. شکواییه‌های شخصی نیز بیشتر به مسائل و گرفتاری‌ها، اندوه و مصیبت‌ها و ناکامی‌های شکواییه‌پرداز اشاره می‌کنند. به‌عنوان مثال، حبسیه‌سرایی یکی از انواعی است که دربردارنده شکواییه‌های شخصی و بیانگر عواطف شکست‌خورده فرد اسیر است؛ شکواییه‌های مسعود سعد سلمان، نمونه بارز این موضوع است.

شکواییه از هر نوعی دربردارنده نکات و مباحثی درخور توجه است که با عنایت به آن‌ها و تحلیل‌های گوناگون می‌توان به ابعادی وسیع از فرهنگ هر عصر در میان تمدنی خاص نائل شد و از این‌جهت، از نظر

(ب) شکایت‌های مندرج در مثنوی ملاصدرا، تنها به مباحث فردی می‌پردازد یا مسائل اجتماعی را نیز مطرح می‌کند؟

۱/۴ فرضیه‌های تحقیق

(الف) به نظر می‌رسد ملاصدرا نسبت به مردم عصر خویش، دیدگاه مثبتی نداشته است.

(ب) با عنایت به بخش شکایت از ابناء عصر مثنوی ملاصدرا، چنین به نظر می‌آید که دغدغه‌های ملاصدرا اجتماعی و فرهنگی است.

۱/۵ مبانی نظری تحقیق

۱/۵/۱ شکایت و شکواییه‌گویی از نظر فرهنگی

از نظر علمی هرگاه پای عواطف آدمی در میان باشد، وارد حوزه ادب غنایی می‌شویم و از آنجاکه بیان شکایت و اندوه کاملاً با عواطف گوینده در پیوند است، شکواییه‌پردازی زیرمجموعه ادب غنایی محسوب می‌شود. از این‌منظر، شکواییه‌سرایی از انواع مستقل ادبی نیست؛ بلکه به‌صورت درون‌مایه‌ای مستقل در نظر گرفته می‌شود (رک: مؤتمن، ۱۳۴۶: ۱۰۶). شکایت و بیان گله‌آمیز و توأم با دلخوری و دل‌زدگی، یکی از واکنش‌های ناخودآگاه روان آدمی است که در برابر مسائلی که مایه رنج و آزار او شده است از خود نشان می‌دهد. در بسیاری از اوقات این حالت ناخودآگاه، بسط داده شده و به‌صورت خودآگاه درمی‌آید. هنگامی که شکایت به حوزه ادبیات وارد می‌شود، منجر به خلق آثاری در حوزه نظم و نثر می‌شود که با نام عام شکواییه‌سرایی و شکواییه‌پردازی معرفی می‌شوند.

شمیسا شکواییات را مجموعه‌ای از اشعار و گفتار ادیبان می‌داند که در قبال ناملایمات، رنج‌ها، ناکامی‌ها، محرومیت‌ها و بدبختی‌ها بیان شده است. علاوه‌براین اشاره می‌کند که در ادبیات نوعی دیگر از شکواییه وجود دارد که در برابر مصیبت و

سرایندگان آن‌ها می‌داند، زیرا این نوع از سروده‌ها، علاوه بر آشکار ساختن وضع نامطلوب زندگی سراینده، جامعه آرمانی و مطلوب او را نیز به تصویر می‌کشد (رک: سرامی، ۱۳۷۵: ذیل ب‌الشکوی). شکواییه‌های دوره‌های مختلف، بحران‌ها و دغدغه‌های شاعر را درباره موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و شخصی بیان می‌کنند و از این‌نظر در تحلیل متون، مطالعات تاریخ ادبی و همچنین جامعه‌شناسی فرهنگی و ادبی حائز اهمیت هستند.

۲٫۲ شکواییه‌ها در عصر صفوی

دوره تاریخی صفویه از نظرگاه‌های مختلف در تاریخ تمدن اسلامی ایران دارای اهمیت و تشخیص است، زیرا برای نخستین بار و به صورت جدی، تشیع، به عنوان مذهب رسمی، مورد حمایت و تأیید حکومت قرار گرفت و پس از مدت‌ها آشفتگی و نابسامانی، حکومتی مرکزی و مقتدر بنیان‌گذاری شد که ایران را به شکوه دوران پیش از آشفتگی‌های حاصل از حملات زردپوستان سرزمین‌های شرقی؛ اعم از مغول و تیموری بازگرداند. مرحوم استاد صفا این دوران را از نظر شرایط سیاسی و اجتماعی، دورانی پر از آبادانی و احداث بناها، مدارس، رباط، کاروانسرا و همچنین پیشرفت در امور صنعتی، هنری و معماری می‌داند (رک: صفا، ۱۳۶۹، ج ۵: ۷۳-۷۰).

با وجود رونق و آبادی و امنیت دوران صفوی (به‌ویژه تا دوران شاه عباس کبیر)، ظاهرگرایی در دین و مذهب، افراط در عرفان و تصوف مصنوع، بی‌اعتنایی به شعرای غیرمذهبی، رواج خرافه، قدرت صوفیه دنیاپرست، رونق علوم ظاهری و بدبینی نسبت به عرفان و فلسفه ناب، باعث به وجود آمدن جوی پر از شکوه و گلایه در میان خردمندان نسبت به این دوران شده است. بسیاری از عرفای این دوران نسبت به ریاکاری صوفی‌نمایان زبان به اعتراض گشوده‌اند؛ به عنوان مثال عزالدین محمود کاشانی درباره این موضوع، چنین زبان به شکوه گشوده است: «مشهور و معروف در میان مردم آن است که

مطالعات فرهنگی دارای اهمیت بسیار است. به عبارتی بهتر، شکواییه‌ها دیدگاه انسان عصر را نسبت به بحران‌هایی که با آن‌ها مواجه است (اعم از شخصی، اجتماعی و فلسفی) آشکار می‌کنند و تقابل و تلاش او را نسبت به بحران‌های یادشده، هویدا می‌سازند.

۲ بحث

۲٫۱ شکواییه‌سرایی و جایگاه آن در ادبیات فارسی

همان‌گونه که اشاره شد شکواییه‌سرایی از زیرمجموعه‌های ادب غنایی است. به عبارتی دیگر با احوال درونی شاعر یا نویسنده در ارتباط است و از این‌نظر در ادبیات فارسی، بسامد بسیار بالایی دارد. شکایت از موضوعات گوناگون، از نخستین سروده‌های زبان فارسی تا شعر دوران معاصر بازتاب یافته است. تعاریفی گوناگون درباره شکواییه‌سرایی یا ب‌الشکوی مطرح شده است که تقریباً همه آن‌ها در کلیات مشترک هستند. یاحقی شکواییه‌سرایی یا ب‌الشکوی را در اصطلاح ادبی شعری می‌داند که بیان‌گر نومی‌دی‌ها، رنجه‌ها و ناکامی‌های شاعر است و آلام فکری، روحی و اجتماعی او را شرح می‌دهد. وی چنین سروده‌هایی را حاوی مطالبی در شکایت از روزگار، بخت و سرنوشت، مردم روزگار، دشواری‌های زندگی، ظلم ارباب قدرت و ... می‌داند (یاحقی، ۱۳۸۴: ۷۰۷). رزمجو نیز درباره این نوع از شعر چنین آورده است: «هر شعری که محتوای آن برآمده از دردهای درونی و اسرار شاعر و هدف از آن عقده‌گشایی و یا خبر کردن دیگران از حال شخص باشد» (رزمجو، ۱۳۷۰: ۱۰۹).

با عنایت به تعاریفی کلی که پژوهش‌گران از شکواییه‌سرایی دارند می‌توان به اهمیت و جایگاه شکواییه‌سرایی در ادبیات فارسی نائل شد. سرامی اهمیت شکواییه‌ها را بیشتر در شناساندن روحيات

خاص در فلسفه شیعی، ایرانی و اسلامی شد. این امر منجر به نزدیکی فلسفه، کلام و تصوف در میان فلاسفه، فقها و عرفا شد (رک: زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۲۴۵).

لویزن درباره موضوع مطرح‌شده چنین نگاشته است: «مسیر ارزشمندی که در دوران صفوی منجر به شکوفایی تعالیم صوفیه شد، شرح و بسط ماهرانه و چشمگیر سنت عرفان فلسفی بود که کلام، فلسفه مشاء و فلسفه اشراق و حکمت ابن‌عربی را با هم تلفیق کرد. چهره برجسته در این تلاش، ملاصدرا بود که به تبعیت از نوشته‌های حیدر آملی، اندیشه‌های ابن‌عربی را به طرز مؤثری در بافت جهان‌بینی شیعی ایرانی گنجانید» (لویزن، ۱۳۸۴: ۵۸). تحول و کمال روحی ملاصدرا در آثار او کاملاً نمایان است، به‌ویژه در انتقادهای مختلف او از عالمان دروغین، عرفای ریاکار، متصوفان رند عصر خود و جهل و خرافه‌پرستی و بی‌اخلاقی مردم، با جلوه‌ای دیگر از ملاصدرای فیلسوف مواجه می‌شویم.

۲،۴ مثنوی ملاصدرا

یکی از آثار ملاصدرا، کتابی منظوم، معروف به مثنوی ملاصدرا است. همان‌گونه که از نام این اثر برمی‌آید، این کتاب در قالب مثنوی و در بحر رمل سروده شده و بیانگر مباحث و مسائلی درباره چگونگی آفرینش، نعت رسول اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع)، سیر و سلوک معنوی، مذمت اهل ریا و شکوه از مردم روزگار خویش است. در بخش دیگری از این مثنوی، اندیشه‌های فلسفی و اعتقادات دینی ملاصدرا در خصوص علم الهی، علم مکاشفه‌ای، عالم روحانی و غایت ایجاد اشیا که بخش‌هایی مهم از مباحث الهیات عقلانی است، در قالب کلام منظوم بیان شده است. در بخشی دیگر از مثنوی ملاصدرا، توصیف نفس ناطقه، قوای نفسانی، مباحث فرجام‌شناسی فلسفی در حکمت متعالیه اعم از قیامت و حشر آخرت بیان می‌شود. خاتمه مثنوی صدرالمتألهین، بیان اهل کشف و اوصاف آنان است و همانند ابن‌سینا و سهروردی، فلسفه را با سلوک

اسم صوفی بر کسی اطلاق کنند که مترسم بود به رسم صوفیان و متلبس بود به زی ایشان، اگر از اهل حقیقت بود و اگر نبود و اهل خصوص از متصوفه اکثرشان مترسمان را صوفی خوانند، بلکه متشبه به صوفیان خوانند» (کاشانی، ۱۳۹۴: ۶).

۲،۳ ملاصدرا

صدرالدین محمدبن ابراهیم قوام شیرازی (متوفی به سال ۱۰۵۰ ه.ق) معروف به صدرالمتألهین و ملاصدرا را نامدارترین حکیم دوران صفویه، مخصوصاً دوران شاه عباس کبیر می‌دانند. وی متولد ۹۷۹ یا ۹۸۰ هجری در شیراز است که پس از مرگ پدر به اصفهان نقل مکان کرد. او از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد است که علوم نقلی را نزد شیخ بهایی و علوم عقلی را نزد میرداماد فراگرفت. بسیاری از آثار مهم او به زبان عربی است. ازجمله این آثار می‌توان به اسفار اربعه، شواهد الربوبیه، شرح اصول کافی، الهدایه، حاشیه شرح حکمت الاشراق، الواردات الغلیبه و کسر اصنام الجاهلیه اشاره کرد. تنها اثر فارسی وی را رساله سه اصل دانسته‌اند و علاوه بر آن اشعار زیبایی در قالب مثنوی و رباعی از وی به جا مانده است. او بارها به سفر حج مشرف شد و در سفر هفتم، وقتی در حال بازگشت از این سفر روحانی بود، در سال ۱۰۵۰ در شهر بصره وفات یافت و همان‌جا به خاک سپرده شد (رک: رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۴۰: ج ۳: ۴۴۴-۴۳۷ و خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۱۲۳-۷).

ملاصدرا علاوه بر تحصیل در علم فلسفه، به تهذیب نفس نیز مبادرت بسیار داشت. «از نقاط عطف در طول حیات او، اعتکاف چندین‌ساله وی در روستای حومه قم (کهک) بوده است. در این مرحله بود که به مرتبت پختگی و نضج فلسفی و عرفانی دست یافت. پس از این عزلت به شیراز بازگشت و به تدریس و ترویج و تحریر اندیشه‌ها و یافته‌های درونی خود پرداخت» (کوربن، ۱۳۸۵: ۵). ملاصدرا با تلفیق حکمت مشایی، حکمت اشراق و عرفان و تصوف، مکتبی فلسفی با عنوان حکمت متعالیه پایه‌گذاری کرد که باعث به وجود آمدن جریانی

عرفانی همراه ساخته و این دو مبحث را تکمیل‌کننده یکدیگر دانسته و یکی را بدون دیگری ناقص دانسته است (رک: حقدار، ۱۳۷۶: ۴۷).

۲،۴/۱ مضامین مندرج در شکواییه ملاصدرا

در بخش «در شکوه از ابناء زمان و حق‌ناشناسی آن و گفتگوی معاندان و ماران بی‌مهره و دندان» مثنوی ملاصدرا، با تفکرات اجتماعی ملاصدرا نسبت به مردم زمانه و انحرافات عصر خود مواجه می‌شویم. مهم‌ترین انحرافات که ملاصدرا در این بخش به آن اشاره دارد عبارتند از: بی‌حیایی، نفاق، بی‌انصافی و ظلم، بی‌وفایی، نداشتن انسانیت، بی‌بصیرتی، رسوا ساختن دیگران و بی‌ارزشی علم و فضل و برتری جاهلان بر عالمان. در ادامه به تقسیم‌بندی این مفاهیم و ذکر و تحلیل ابیات ملاصدرا خواهیم پرداخت.

الف) بی‌حیایی

یکی از مباحث اخلاقی پربسامد در بخش شکوه از ابناء زمان ملاصدرا، انتقاد از بی‌حیایی مردم زمانه است. این انتقاد هم نسبت به بی‌حیایی اجتماعی و شخصی است و هم بی‌حیایی نسبت به خدا و پیامبر (ص). بی‌حیایی و آزر از رخ شستن و رسوایی، ثمره شرایطی است که افراد فضیلت‌ها را خوار می‌پندارند و دروغ و نفاق رواج می‌یابد. این اعتراض در آرا و اندیشه‌های ملاصدرا به اشکال مختلف به چشم می‌خورد و مایه رنج روح و جان او شده است. به نظر می‌رسد شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر ملاصدرا که مجال را برای قدرت گرفتن ظاهربینان و ریاکاران فراهم کرده در به وجود آمدن این رذیله اخلاقی نقش داشته است.

ملاصدرا در بسیاری از آثار خود به بی‌حیایی و گستاخی مردم و نادانان اشاره کرده است. وی درباره این موضوع چنین می‌نویسد: «لیکن چه فایده که اکثر جاهلان خود را کامل می‌دانند و اکثر اهل تلبیس و غرور خود را محق و مصیب می‌شمارند و بسیاری از بیماران نفس و هوا خود را صحیح می‌پندارند. اما

چه گویی درباب مرض حب جاه و ریاست و مال و عزت؟ این را چگونه انکار خواهی کرد و به چه حیل و غرور خود را معذور خواهی داشت؟» (صداری شیرازی، ۱۳۸۴: ۶۱). ملاصدرا در ابیاتی مختلف از بخش شکواییه خود به این موضوع پرداخته است:

گنج را ناچار باشد اژدها
اژدها، این موزیان بی‌حیا
گر سخن را در درونشان جا بُدی
کی درونشان این چنین رسوا بُدی
در دل کس از خدا آزر نه
وز رسول‌الله کسی را شرم نه
از رخ مردم حیا برخاسته
شرم بنشسته جفا برخاسته

(محمد بن ابراهیم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۵۷)

ب) نفاق

یکی دیگر از مفاهیم مندرج در شکواییه ملاصدرا نفاق، ریا و دورویی است. این انحراف اخلاقی نیز ثمره جامعه غرق در ظاهربینی و جهالت است. موضوعی که بارها مورد اعتراض و گلایه ملاصدرا واقع شده است. ملاصدرا برای رد و تحقیر نفاق، در اشعار خود بارها ساقی را مورد خطاب قرار داده و روراستی و صداقت را از او طلب کرده است. در آثار منظوم او، گفتگوی با ساقی یکی از مفاهیم تکرارشونده است که همین امر باعث شده برخی از پژوهش‌گران (از جمله داوودی مقدم و درودگریان، ۱۳۹۳: ۹۳) او را جزو ساقی‌نامه‌سرایان به حساب بیاورند.

با توجه به مضامین غالب ساقی‌نامه‌ها، می‌توان آن را در شمار ادبیات انتقادی زبان و ادبیات فارسی به حساب آورد (رک: صفا، ۱۳۶۹: ۶۱۶). دلیل این امر این است که شاعران ساقی‌نامه‌سرا به بهانه می، مستی و پناه بردن به میخانه و بی‌خبری، فارغ از محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها و ترس‌ها، ناگفتنی‌های

روزگار خویش را در قالب نکوهش روزگار و مردم آن بر زبان می‌آوردند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ساقی‌نامه، شعری اجتماعی، شورشگر و آرمان‌خواه است (رک: جوکار، ۱۳۸۵: ۹۹). در ادامه به بخشی از ساقی‌نامه بخش شکوه از ابناء روزگار اشاره می‌شود:

از مسلمانان به جز نامی کِراست
وز سلامت جز ملامت از کجاست
ساقیا آبی بر این آتش فشان
جوشش دیگ درون را وانشان
نغمه بر آهنگ دیگر ساز کن
مطرب جان را سخن‌پرداز کن
مستی و دیوانگی آهنگ ماست
نام‌ونگی با دل بی‌ننگ ماست
بر سرم مستی بسی زور آورید
از دلم عقل و خرد بیرون کشید
آتشی اندر دل از عشق اوفتاد
سربه‌سر عقل و دل و دین شد به باد
کار من هرگز چنین ابتر نشد
خواستم بهتر شود، بهتر نشد
سوختم از سوز دل یکبارگی
چاره نبود اندرین بیچارگی

(محمد بن ابراهیم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۵۷ و ۱۵۸)

(ج) نامحرمی و بی‌وفایی یاران

بی‌وفایی، عدم بصیرت و نامحرمی یاران و مردمان زمانه، یکی دیگر از مفاهیم مندرج در شکواییه ملاصدراست. بی‌وفایی، قدرناشناسی و نداشتن محرم اسرار و یار موافق، یکی از اندوه‌ها و شکواییه‌های تکرارشونده در شعر شاعران است. ملاصدرا که حکیمی آزاده و به دور از ریاکاری و

نامردمی زمانه بوده نیز از این موضوع در رنج بوده و با ابیاتی متعدد شکوه و شکایت خود را از این موضوع بیان کرده است. کشف‌وشهود و منش عارفانه ملاصدرا و همچنین روح آزادی او باعث شده بود که بسیاری از یاران و همراهان او، نسبت به او دچار تردید شوند. همین امر باعث بروز شکواییه‌های متعدد در مثنوی ملاصدرا به‌ویژه در بخش شکایت از ابناء روزگار شده است:

گر طریق آدمیت داشتند
تخم نیکی اندکی می‌کاشتند
آنچه من دیدم به عالم زین خسان
کس مبیناد از مغ کافرستان
دردها دارم عیان کو مرهمی؟
رازها دارم نهان کو محرمی؟
مرهم این سینه مجروح کو؟
محرم راز دل این روح کو؟
همدمی گر می‌شنیدی راز من
می‌شکفتم هم‌چو گل اندر چمن
در دل کس ذره‌ای انصاف نیست
دیدۀ حق‌بین درونی صاف نیست
یک‌به‌یک یاران ز من بگریختند
رشته پیوندها بگسیختند
غمگساران من از من می‌رمند
همدمان من به من نامحرمند
بس که زخم دل چنین ناسور گشت
دور و نزدیک از بر من دور گشت
دل که نبود با که سازند انجمن
جان که نبود با که گوید کس سخن

(محمد بن ابراهیم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۵۷ و ۱۵۹)

(د) ظلم و جفا

ظلم و ستم، بی‌عدالتی و نامردی یکی دیگر از مفاهیم اعتراضی و شکوایی ملاصدرا در مثنوی خود است. او در ابیات مختلف به این موضوع اشاره کرده و آن را یکی از بی‌اخلاقی‌هایی معرفی نموده که در دوره‌ی او رواج داشته است. نکته‌ی جالب اینجاست که ملاصدرا بیش از آنکه به ظلم از وجه سیاسی بپردازد، به ظلم و ناعدالتی و نامردی در اجتماع و میان مردم عصر خود پرداخته است. در ادامه به ابیاتی که حامل این معنا و مفهوم هستند اشاره می‌شود:

آنچه من دیدم ز جور این فلک
هیچ زخمی آن نبیند از نمک
آنچه من دیدم ز درد و تفرقه
هیچ سندان ندید از مطرقة
آنچه من دیدم ز هر سنگین‌دلی
هیچ گنجشکی ندید از چنگلی
داد از این کاسد قماش‌ها بسی
داد از این حق‌ناشناسی‌ها بسی
در دل کس ذره‌ای انصاف نیست
دیدۀ حق‌بین درونی صاف نیست
چرخ از اینسان می‌زند چنگ از برم
گوشمالم می‌دهد گر تن زخم
بس که ددم از فلک درد و محن
سیر گشتم از وجود خویشتن

(محمد بن ابراهیم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۵۷ و ۱۵۹)

(ه) برتری نادانان بر فضلا و دانایان

یکی از شکوه‌های منعکس‌شده در ادبیات فارسی، خواری و بی‌ارزشی فضل و فضلا؛ و برتری نادانان و بی‌خردان است. این امر به‌عنوان یک ناهنجاری اجتماعی است که پیشینه‌ی آن به ایران باستان

بازمی‌گردد و علاوه بر متون ایرانی، بازتاب این موضوع در منابع عربی نیز به‌وضوح قابل بررسی است. بسیاری از ادبا و حکما در دوره‌های مختلف از این موضوع شکایت کرده‌اند؛ گروهی با زبان طنز و گروهی با زبان اعتراض و گروهی دیگر با نسبت دادن آن به قضا و قدر یا از راه مقایسه با دیگر امور شگفت هستی، آن را جزو عجایب و امور مبهم زندگی بشر دانسته‌اند (رک: سبزیان‌پور، ۱۳۹۳: ۷۰۴). این مضمون در شکواییه‌ی ملاصدرا نیز بازتاب یافته و شاعر طی ابیاتی گلایه و ناراحتی خود را از این موضوع بیان کرده است:

بر حکیمان، ابلهان محنت فزا
بر سلیمان، دیو و دد فرمانروا
آدمی را بر ستوران فضل نه
نیک و بد را خوب و ردّ را فضل نه
کار من هرگز چنین ابتر نشد
خواستم بهتر شود، بهتر نشد
دفتر فرزانی را گاو خورد
خانه‌ی عقل و خرد را آب برد
اندین شب‌ها دلم در خون نشست
از ره فرزانی بیرون نشست

(محمد بن ابراهیم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۵۹)

۳ نتیجه

یکی از مباحث زیرمجموعه‌ی نوع ادبی غنایی، شکواییه‌سرایي است. شکواییه‌سرایي در ادبیات فارسی و در شعر و نثر تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان وجود دارد که بنا به دلایلی خاص سروده شده‌اند. عمده دلایل این موضوع عبارتند از مشکلات و دغدغه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی. گاه نیز مسائل و مشکلات شخصی در خلق چنین آثاری

مطالعات اجتماعی قابل‌بررسی و تأمل است، بخش شکوه از ابناءعصر است که ملاصدرا در آن به بیان مفاسد اخلاقی، رفتاری، فرهنگی و علمی مردمان زمانه خود و شکوه و گلایه از این امور پرداخته است. مهم‌ترین مباحث اعتراضی و انتقادی مورد اشاره ملاصدرا در این بخش از مثنوی خود عبارتند از: نفاق، ریا و تظاهر (که بیشترین بسامد ابیات اعتراضی را داراست)؛ بی‌حیایی، بی‌شرمی و گستاخی مردم زمانه؛ نداشتن یار موافق و محرم اسرار؛ جوروجفا و بی‌وفایی یاران دروغین و مردم؛ بی‌اعتباری علم و دانش و فضل و برتری نادان بر دانا. با بررسی و تحلیل این مباحث اعتراضی در شعر ملاصدرا می‌توان به این نتیجه رسید که تظاهر و ریاکاری ازجمله بزرگ‌ترین آفت‌های اخلاقی دوره صفویه بوده که به‌دنبال خود باعث به وجود آمدن جوّی از بی‌شرمی و گستاخی؛ ظلم بر خردمندان فارغ از ضواهر؛ اعتبار یافتن علوم ظاهری و بی‌اعتباری علم و عرفان ناب شده است. این مسائل بر ملاصدراپی که همه عمر به‌دنبال علوم ناب فارغ از تظاهر

نقش‌آفرینی کرده است. با عنایت به این شکواییه‌ها، سراینده یا گوینده آن‌ها و هم‌چنین دوره زمانی و تاریخی به وجود آمدن آن‌ها می‌توان به تحلیل‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و روان‌شناختی پرداخت. این موضوع به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که سراینده یا گوینده این شکواییه‌ها از نخبگان و عالمان زمانه خود و دارای وجه جریان‌سازی در حوزه علم، ادب و فلسفه باشد. ملاصدرای شیرازی یکی از فلاسفه و حکمای است که هم در دوره خود و هم در دوره‌های بعد، جریانی خاص از فلسفه و حکمت را به وجود آورد که با نام «حکمت متعالیه» همواره مورد توجه حکیمان بوده و هست.

ملاصدرا علاوه‌بر فلسفه، در حوزه ادبیات و عرفان نیز صاحب اثر و دارای جایگاه است. یکی از آثار ادبی ملاصدرا، مثنوی ملاصدرا، است که جدای از زبان و بیان هنرمندانه او، دارای مباحثی مهم در حوزه اخلاق، فلسفه، عرفان و انتقاد اجتماعی است. یکی از بخش‌های مهم این مثنوی که ازمنظر و ریاکاری و عدالت بوده است، بسیار گران آمده و به همین دلیل در بسیاری از آثارش - ازجمله در مثنوی معروف خود - به این بحران‌ها تاخته است.

منابع

- اکبری، منوچهر و اسفندیاری، مهسا (۱۴۰۰)، «بررسی انواع شکواییه در مثنوی‌های عطار»، متن‌پژوهی ادبی، دوره ۲۵، شماره ۸۹، صص ۳۴-۵۸.
- پارسایی، زهرا (۱۴۰۱)، بررسی مفاهیم عرفانی در مثنوی ملاصدرا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمد خدادادی، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، گروه زبان و ادبیات فارسی.
- جوکار، منوچهر (۱۳۸۵)، «ملاحظات در ساختار ساقی‌نامه با تأکید بر دو نمونه گذشته و معاصر»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۹۹-۱۲۲.
- حقدار، علی‌اصغر (۱۳۷۶)، «درنگی در مثنوی ملاصدرا»، میراث شهاب، شماره ۹، صص ۴۵-۴۷.
- خامنه‌ای، محمد (۱۳۷۹)، ملاصدرا، زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین، تهران: بنیاد حکمت اسلامی.
- داوودی‌مقدم، فریده و ایزدی، جنان (۱۳۹۳)، «تتبع در اشعار ملاصدرا از منظر توصیف برخی گروه‌های اجتماعی عصر وی»، متن‌پژوهی ادبی، شماره پنجاه و نه، سال هجده، صص ۸۴-۶۱.
- داوودی‌مقدم، فریده و درودگریان، فرهاد (۱۳۹۳)، «ملاصدرا، فیلسوف ساقی‌نامه‌سرا»، پژوهش‌نامه ادب غنایی، سال دوازدهم، شماره بیست و دوم، صص ۹۳-۱۱۰.
- رزمجو، حسین، (۱۳۷۰)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، (۱۳۴۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، جلد ۳، تهران: خیام.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۶)، دنباله جست‌وجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- سبزیان‌پور، وحید، (۱۳۹۳)، «تأملی در مضمون رنج دانا و رفاه نادان در ادب فارسی»، دومین همایش ملی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی، صص ۷۳۲-۷۰۳.
- سزّامی، قدمعلی، (۱۳۷۵)، «بث‌الشکوی»، دانش‌نامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، جلد دوم، صص ۵۷۷۵-۵۷۷۴.
- شعاعی، زهره و شیخ‌الاسلامی، علی (۱۳۹۷)، «بررسی ادبیات شکواییه عرفانی ایرانی در دوران صفویه»، عرفانیات در ادب فارسی، دوره ۹، شماره ۳۷، صص ۷۹-۱۰۷.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، انواع ادبی، تهران: میترا.
- صدرا شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۶)، مثنوی ملاصدرا، به کوشش مصطفی فیضی، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- صدرا شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۴)، رساله سه اصل، به تصحیح محمد خواجه‌وی، تهران: مولی.

دوازدهم هجری) جلد ۵، بخش اول،
تهران: فردوس.

مؤتمن، زین‌الدین (۱۳۴۶)، شعر و ادب
فارسی، تهران: افشاری.

میرحسینی، مهشید (۱۴۰۱)، تحلیل
جامعه‌شناختی شکواییه اجتماعی در
متون منظوم ادبی، پایان‌نامه
کارشناسی ارشد، به راهنمایی نادر
صنعتی شرقی، دانشگاه پیام نور،
مرکز مشهد.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۴)، بئالشکوی،
دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، به
سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران:
فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران
(از آغاز سده دهم تا میانه سده

کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۹۴)،
مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه،
تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران:
سخن.

کُرن، هانری (۱۳۸۲)، ملاصدرا، ترجمه
ذبیح‌الله منصوری، تهران: بدرقه
جاویدان.

لویزن، لئونارد (۱۳۸۴)، مرور اجمالی؛ اسلام
ایرانی و تصوف ایرانی‌وار، میراث
صوفیه، ترجمه مجدالدین کیوانی،
تهران: مرکز.

مرتضوی، منوچهر (۱۳۴۴)، مکتب حافظ،
تهران: ابن‌سینا.